



مقاله‌ی علمی

چگونه به دانش‌آموزان فکر کردن بیاموزیم؟

نگاهی به «محور تفکر» در برنامه‌ی درسی ملی

مهندس سعید قریشی

عضو گروه تدوین کنندگان برنامه‌ی درسی ملی

یکی از محورهایی که برنامه‌ی درسی ملی بر آن تأکید دارد، موضوع تفکر است؛ به طوری که آموزش تفکر و حکمت به عنوان یکی از حوزه‌های یادگیری جدید مطرح گردیده است و در الگوی هدف‌گذاری به عنوان یکی از عناصر اصلی در نظر گرفته شده است. اکنون بینیم تفکر چیست و برای انسان چه ارزشی دارد که این همه بر آن تأکید شده است. همه‌ی ما به تجربه‌ی شخصی و مشاهده‌ی دیگران، دریافته‌ایم که در وجود انسان قوه‌ای هست که می‌تواند در اطراف و جوانب هر موضوعی به بررسی و تأمل بپردازد و نیک و بد را بسنجد و ارتباط میان علت و معلول را درک کند و از مقدمه به نتیجه پی ببرد. این قوه را «عقل» می‌نامند. پس عقل قوه‌ای است که به کمک آن انسان می‌تواند به بررسی امور، کشف مجهولات، حساب‌گری، قضاوت و نتیجه‌گیری بپردازد. تفکر، همان عمل و فعالیت عقل است که قوه‌ای مخصوص انسان است و سایر موجودات روی زمین از آن بی‌بهره‌اند. عقل انسان وقتی رشد می‌کند و قوی می‌شود که به کمک تفکر، وادار به فعالیت شود. کسی که تفکر نکند و عقل خود را به کار نیندازد، از رشد فکری چندانی برخوردار نخواهد شد و انسان‌های بسیاری را می‌بینیم که چنین هستند. این افراد همانند تاجری هستند که سرمایه‌ی خود را به کار نمی‌اندازند و آن را راکد می‌گذارند.

درباره‌ی ارزش عقل و همچنین ارزش تفکر، سخنان بسیاری از زبان بزرگان دین، متفکران و دانشمندان نقل شده است که نگاهی به آن سخنان نشان می‌دهد که عقل بزرگ‌ترین سرمایه‌ای است که خداوند به بشر اعطا کرده است و کلید سعادت را در دست او قرار داده است. نمونه‌ای از این سخنان، چنین است:

«خداوند چیزی بهتر از عقل بین بندگان خود تقسیم نکرده است». پیامبر اکرم (ص)

«هیچ زبوری برای انسان، بهتر از عقل نیست». حضرت علی (ع)

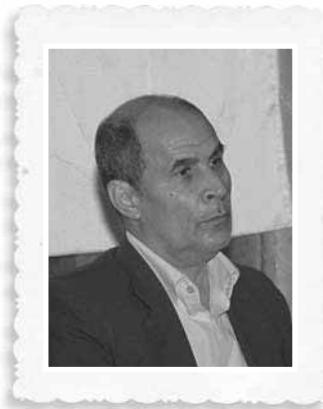
«سعادت‌مندترین انسان‌ها کسی است که عاقل باشد». حضرت علی (ع)

«ساعتی اندیشیدن، بهتر از ۷۰ سال عبادت (بدون فکر) است». پیامبر اکرم (ص)



ویژه‌نامه‌ی هم‌سوسازی برنامه‌ها و کتاب‌های درسی پایه‌ی اول ابتدایی با برنامه‌ی درسی ملی جمهوری اسلامی ایران

هم‌سوزان



برای پی بردن به اهمیت عقل، کافی است به آثار بی‌عقلی و به کارنگرفتن عقل در زندگی فردی و جمعی انسان‌ها نگاهی بیفکنیم تا ببینیم چه زیان‌ها و خسارت‌هایی به بار آورده است.

حال ببینیم چگونه می‌توان این قوه‌ی عقل و فکر را به کار انداخت و از ثمرات آن بهره‌مند شد. به عبارت دیگر با چه فنون و مهارت‌هایی باید تفکر را توسعه داد و تقویت کرد. همان‌طور که دست‌یابی به هر مهارت و توانایی دیگری نیاز به تمرین و ممارست عملی روی اجزای آن دارد، تفکر نیز چنین است و برای پرورش و تقویت آن ابتدا باید خرده مهارت‌های آن‌ها را شناخت و با تمرین آن‌ها به مهارت‌های سطح بالاتر دست یافت.

این مطلب برای آموزگاران عزیز از آن جهت اهمیت دارد که می‌خواهند کودکان را به تفکر وادار کنند و شیوه‌ی فکر کردن را به آنان بیاموزند.

مهارت‌های تفکر

همان‌طور که یک مربی شنا یا مربی رانندگی، آموزش شنا یا رانندگی را از تعلیم حرکات ساده شروع می‌کند و به تدریج پس از تمرین کافی و فراگیر، حرکات پیچیده‌تر را به او یاد می‌دهد، آموزش تفکر نیز چنین است. ابتدا باید مهارت‌های ساده را به کودکان آموزش داد و به تدریج آن‌ها را برای مراحل بالاتر آماده کرد. در این جا به تعدادی از مهارت‌های تفکر که قابل آموزش دادن به دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی هستند، اشاره می‌کنیم. این مهارت‌ها عبارتند از: پرسش کردن، بازگویی کردن، دسته‌بندی کردن، مقایسه کردن، پیدا کردن شباهت‌ها و تفاوت‌ها، استدلال کردن، مسئله حل کردن، نمایش دادن به کمک طرح و نقشه، طراحی و ساخت یک شیء.

بدیهی است که آموزش هر یک از این مهارت‌ها به تناسب سن و سال و درک و فهم دانش‌آموزان، می‌تواند شکل و محتوای متفاوتی داشته باشد. درباره‌ی دانش‌آموزان ابتدایی باید از ساده‌ترین شکل و با استفاده از اشیای واقعی و ملموس کار را شروع کرد.

پرسش کردن: منظور، پرسش‌هایی شبیه پرسش‌های امتحانی نیست که دانش‌آموزان در برابر آن‌ها جواب معینی را می‌دهند که قبلاً یاد گرفته‌اند، بلکه می‌تواند به صورت پرسش‌و‌اگرا از سوی معلم درباره‌ی یک موضوع مطرح شود که دانش‌آموزان را به فکر وادارد و هر دانش‌آموز جوابی را که با فکر خودش به آن رسیده است، بدهد. هم‌چنین پرسش می‌تواند از سوی دانش‌آموز مطرح شود، بدین ترتیب که معلم دانش‌آموزان را وادار کند که درباره‌ی موضوعی تأمل کرده و درباره‌ی آن سؤالی طرح کنند. این هر دو شکل پرسش می‌تواند تفکر را تقویت کند.

بازگویی یک مطلب: وقتی از دانش‌آموز خواسته شود که مطلبی را به زبان خودش بازگو کند، او مجبور می‌شود فکر خود را روی موضوع متمرکز کرده و ضمن یادآوری مطالبی که در ذهن دارد، تلاش کند با ساختن عبارات و جملات جدید، مطلب را بازگو کند. این فعالیت می‌تواند به تقویت تفکر او کمک کند.

دسته‌بندی کردن: وقتی دانش‌آموز بخواهد تعدادی از اشیای را دسته‌بندی کند، ابتدا باید به آن‌ها با دقت بنگرد (آن‌ها را



مشاهده کند) و با پیدا کردن وجوه مشترک، آن‌ها را در یک دسته قرار دهد و لذا نیاز به تمرکز فکری دارد. این فعالیت تفکر او را تقویت می‌کند.

مقایسه کردن و پیدا کردن شباهت‌ها و تفاوت‌ها: برای مقایسه‌ی دو یا چند چیز، ابتدا دانش‌آموزان باید بدانند که از چه نگاهی اشیاء را مقایسه می‌کنند. به عبارت دیگر، ویژگی مورد مقایسه چیست؟ طول، سطح، وزن، رنگ و جنس هر چیز می‌تواند یک ویژگی قابل مقایسه باشد.

ممکن است از دانش‌آموزان خواسته شود که ویژگی مورد مقایسه را خودشان اندازه بگیرند، که در این صورت مهارت اندازه‌گیری هم تقویت می‌شوند. گاهی مقایسه از طریق پیدا کردن شباهت‌ها و تفاوت‌هاست که دانش‌آموزان را وادار به دقت و مشاهده‌ی دقیق می‌کند و همه‌ی این‌ها در نهایت قوه‌ی تفکر او را تقویت می‌کند.

استدلال کردن: ارائه‌ی دلیل، نشان می‌دهد که شخص در ذهن خود توانسته است ارتباط بین چند مطلب را درک کند و تأثیر آن‌ها را بر یکدیگر تشخیص دهد و این لازمه‌ی تفکر است. پس اگر از دانش‌آموزان خواسته شود که برای کاری که انجام می‌دهند و یا سخنی که می‌گویند دلیل بیاورند، آن‌ها به تفکر و تأمل وادار می‌شوند و عادت می‌کنند از گفتن سخنان یا انجام کارهایی که نمی‌توانند برای آن‌ها دلیل بیاورند، اجتناب کنند و قبل از گفتن سخنی یا انجام کاری درباره‌ی آن فکر کنند.

حل مسئله: حل مسئله، پیدا کردن مجهول به کمک معلومات است. دانش‌آموزی که بتواند به گونه‌ای بین معلومات، ارتباط برقرار کند و به کشف مجهول برسد؛ از قوه‌ی فکری خوبی بهره‌مند است. وادار کردن دانش‌آموزان به حل مسئله و آشنا کردن آن‌ها با گام‌های حل یک مسئله می‌تواند موجب تقویت فکر آن‌ها شود. مسئله لزوماً نباید یک مسئله‌ی ریاضی یا علوم باشد، بلکه می‌توانید از مسائل مبتلا به روزانه باشد که باید برای آن راه‌حلی پیدا کرد.

نمایش دادن به کمک طرح و نقشه: فهماندن آن چه در ذهن می‌گذرد به دیگران، روش‌های گوناگونی دارد. بیش‌تر اوقات با سخن گفتن یا نوشتن تفهیم موضوع صورت می‌گیرد. اما می‌توان با استفاده از علائم و خطوط و کشیدن طرح و نقشه نیز این کار را انجام داد. برای کشیدن یک طرح و نقشه نیاز به تمرکز فکری و دقت در جزئیات است. بنابراین تمرین‌هایی که از دانش‌آموزان می‌خواهد برای نشان دادن یک مفهوم، طرح یا نقشه‌ای بکشند، می‌تواند به قویت تفکر آن‌ها کمک کند.

طراحی و ساخت یک شیء: برای ساخت یک شیء باید از قوه‌ی تخیل و ابتکار کمک گرفت. کسی که می‌خواهد چیزی بسازد، ابتدا باید آن را به خوبی در ذهن خود تصور کند تا بتواند در بیرون آن را بسازد. به کار انداختن قوه‌ی تخیل و ابتکار برای ساختن اشیاء گوناگون یکی از راه‌های تقویت تفکر خلاق در دانش‌آموزان است. ساختن از چیزهای خیلی ساده می‌تواند شروع شود و به تدریج به چیزهای پیچیده‌تر منجر گردد. فعالیت‌های هنری و کارهای دستی، زمینه‌ی خوبی برای این تمرین فراهم می‌کنند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

آن چه گفته شد، در حکم مقدمه‌ای است که شما را با مبحث تفکر و آموزش آن آشنا می‌کند. در این مجال کوتاه نمی‌توان هر آن چه را که شایسته‌ی این مبحث است، بیان کرد. برنامه‌ی درسی ملی، موضوع تفکر را با تأکید خاص مطرح کرده و از همه برنامه‌ریزان و مؤلفان و معلمان می‌خواهد که به پرورش این قوه‌ی خدادادی دانش‌آموزان اهتمام ویژه‌ای کنند و در همه‌ی درس، پرورش این قوه را در مرکز توجه قرار دهند. تفکر، زمینه‌ی ایمان را فراهم می‌کند و ایمان مبتنی بر تفکر نجات‌بخش انسان است؛ به طوری که حضرت امام صادق (ع) فرموده‌اند: «عقل چیزی است که با آن بندگی خدا حاصل می‌شود و بهشت به دست می‌آید.» عادت دادن دانش‌آموزان به یادگیری‌های حفظی، مانع تفکر است. معلمان عزیز باید سعی کنند یادگیری را به سمت تفکر محوری پیش ببرند و از انباشتن حافظه‌ی دانش‌آموزان پرهیز کنند. زمینه‌ی پرورش تفکر در همه‌ی درس وجود دارد و در هر درس، شکل و نحوه‌ی آن تفاوت دارد. این معلمان هستند که می‌توانند به تناسب هر موضوع با یکی از شیوه‌های ذکر شده، زمینه‌ی تقویت تفکر را فراهم کنند و شرایط را برای شکوفایی عقل خدادادی دانش‌آموزان مهیا سازند.